

محل مهر و امضاء مدیر	نمره به عدد:	نمره به حروف:	نمره به عدد:	نمره به حروف:
	نام دبیر:	تاریخ و امضاء:	نام دبیر:	تاریخ و امضاء:
<b>سؤالات</b>				
<p>پدر رحمة الله عليه را گفتم: « از اینان یکی سر بر نمی‌دارد که دوگانه‌ای بگزارد. »</p> <p>گفت: « تو نیز اگر بختی، به از آن که در پوستین خلق افتی. »</p> <p>غرقه‌ی شکوه و اعجاز زیبایی خلقت بودم که ناگهان نوازش لطیف و خنکی را در لای انگشتان پاهای برهنه‌ام احساس کردم. آب، این روح مذاب زندگی، زلال و با گام‌های استوار شتابان می‌رفت.</p> <p>شبی مادرم از من درخواست کرد که امشب نزد من بخُسب. مادرم دعا کرد و گفت: « یا رب! تو از وی خشنود باش و درجتش، درجه‌ی اولیا گردان. »</p> <p>اسکند در اثنای سفر به شهری رسید و از گورستان عبور کرد. سنگ مزارها را خواند و به حیرت فرو رفت؛ زیرا مدت حیات صاحبان قبور که بر روی سنگ‌ها حک شده بود، هیچ کدام از ده سال تجاوز نمی‌کرد. بزرگی در پاسخ او گفت: « قسمت اعظم عمر به غفلت سپری می‌شود. »</p> <p>اگر نیرو، جوانی، شادابی و چالاکی جوانی را با تأمل، تفکر و بصیرت همراه کنیم، به شکوفایی خواهیم رسید.</p>				
به هر جا بنگرم کوه و در و دشت		نشان از قامت رعنا تو بینم		
هجوم فتنه‌های آسمانی		مرا آموخت علم زندگانی		
همه عالم تن است و ایران، دل		نیست گوینده زین قیاس خجل		
صد هزاران دام و دانه است ای خدا		ما چو مرغان حریصی بی‌نوا		
با زبان سبز و با دست دراز		از ضمیر خاک می‌گویند راز		
هم تو به عنایت الهی		آنجا قدمم رسان که خواهی		
صفحه‌ی ۱ از ۱				